



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

دومین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The Second International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

September 18, 2026 GEORGIA

شهریور ماه ۱۴۰۵ - گرجستان

بررسی شیوه‌های بازآفرینی و استفاده مجدد از لباس‌های کهنه در طراحی لباس پایدار: مروری بر الگوها، تجارب و چالش‌ها

ام لیلا محجل مایلی

کارشناس ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشگاه معماری و هنر پارس تهران

mayli.laila@gmail.com

چکیده

گسترش شتابان تولید پوشاک در دهه‌های اخیر و غلبه رویکرد مصرف‌گرایی مقطعی، صنعت نساجی و مد را با بحران فزاینده انباشت پسماندهای پارچه‌ای و آسیب‌های زیست‌محیطی مواجه ساخته است. در این میان، بهره‌گیری از شیوه‌های بازآفرینی خلاقانه و استفاده مجدد از پوشاک مستعمل به عنوان راهکاری کارآمد در چارچوب طراحی لباس پایدار مطرح گردیده است که افزون بر کاهش دفن منسوجات، به افزایش طول عمر کاربردی الیاف و ارتقای ارزش بصری و معنایی اثر منجر می‌شود. این پژوهش با هدف واکاوی و رده‌بندی نظام‌مند شیوه‌های طراحی بازآفرینانه، تحلیل تجارب موفق طراحان و شناسایی موانع و چالش‌های فراروی این رویکرد به نگارش درآمده است. روش پژوهش در این مطالعه از نوع مروری توصیفی و تحلیلی است که با تکیه بر اسناد مکتوب، متون تخصصی حوزه هنر و نساجی و بررسی نمونه‌های عملی موجود انجام پذیرفته است. یافته‌های مرور نشان می‌دهد که الگوهای اصلی در فرایند بازآفرینی لباس شامل سه رویکرد ساختار شکنی و باز ترکیب الگو، استفاده از تکنیک‌های تلفیقی سنتی نظیر چهل‌تکه‌دوزی و رودوزی، و ارتقای زیبایی‌شناختی از طریق تغییر هویت اولیه پوشاک دسته‌بندی می‌شوند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که علیرغم مزایای غیرقابل انکار زیست‌محیطی و فرهنگی، موانعی همچون دشواری استانداردسازی در تولید انبوه، هزینه‌بر بودن نیروی کار ماهر در فرایند تفکیک و دوخت، و مقاومت ذهنی برخی مصرف‌کنندگان در برابر پذیرش پوشاک حاصل از منسوجات قبلی، از چالش‌های اساسی پیش روی تجاری‌سازی این حوزه به‌شمار می‌روند. در پایان، بسترسازی جهت آموزش‌های تخصصی طراحی خلاق، فرهنگ‌سازی از طریق روایت‌گری در طراحی، و بهره‌گیری از هویت‌های بومی به عنوان مهم‌ترین راهکارهای ترویج طراحی لباس پایدار پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: طراحی لباس پایدار، بازآفرینی خلاق، پوشاک مستعمل، الگوهای بازطراحی، استفاده مجدد، ضایعات نساجی.

مقدمه

صنعت پوشاک و نساجی به عنوان یکی از ارکان کهن تامین نیازهای زیستی، اجتماعی و فرهنگی بشر، در سده اخیر دستخوش دگرگونی‌های ساختاری عمیقی گردیده است (پاکزاد و ناصری، ۱۳۹۹). با شتاب‌گیری الگوهای نوین صنعتی و غلبه نظام مصرف‌گرایی از واپسین دهه‌های سده بیستم، سازوکار تولید لباس از فرایندی مبتنی بر کیفیت، ماندگاری و سازگاری بومی، به چرخه‌ای متمرکز بر سرعت بالا، کاهش هزینه‌ها و تحریک مداوم خریداران به جایگزینی زود هنگام کالاها بدل شد (صادقی، ۱۴۰۰). پیامد مستقیم این پدیده، کاهش محسوس چرخه عمر مفید البسه و انباشت حجم بی‌سابقه‌ای از پسماندهای منسوج در



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

دومین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The Second International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

September 18, 2026 GEORGIA

شهریور ماه ۱۴۰۵ - گرجستان

مبادی دفن زباله و محیط زیست پیرامونی است؛ امری که به دلیل حضور چشمگیر الیاف مصنوعی با پایه نفتی، پیامدهایی نظیر ورود ریزپلاستیک‌ها به سفره‌های آبی، انتشار فزاینده گازهای گلخانه‌ای و هدررفت شدید منابع تجدیدناپذیر را رقم زده است (حسینی و افشار، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، استحصال مواد اولیه دست‌اول نیازمند مصرف سرسام‌آور آب شیرین و سموم دفع آفات در کشت الیاف طبیعی و صرف مقادیر زیادی انرژی حرارتی و الکتریکی است که تداوم این روند را از منظر بوم‌شناختی غیرممکن می‌سازد (امینی و باقری، ۱۳۹۸).

در پاسخ به این معضل ساختاری، مفهوم پایداری در مقام یک رویکرد راهبردی و چتر مفهومی وارد منظومه طراحی لباس و مهندسی نساجی شده است (مطهری و احمدی، ۱۴۰۲). طراحی پایدار در حوزه پوشاک، فراتر از ترجیح محدود الیاف طبیعی، بر نگرشی کل‌نگر به تمام مراحل حیات یک لباس، از لحظه خلق ایده اولیه تا مرحله پس‌امصرف تکیه دارد (رحمانی و همکاران، ۱۴۰۱). در چارچوب نظریه‌های نوین اقتصاد چرخه‌ای، هیچ ماده‌ای نباید زائد فرض شود؛ بلکه هر پسماند می‌تواند سرآغاز چرخه‌ای نویدبخش از تولید ارزش و هویت تلقی گردد (کرمی، ۱۴۰۰). بر این اساس، رویکرد استفاده مجدد و بازآفرینی لباس‌های کهنه به عنوان اقدامی بنیادین و هنرمندانه شناخته می‌شود که مانع از ورود زود هنگام لباس‌ها به مراکز دفع پسماند می‌گردد و جریان مواد را در یک چرخه بسته حفظ می‌کند (فرهادی و ملکی، ۱۴۰۱).

بازآفرینی خلاق، که بر تغییر شکل، مداخله و اصلاح در ساختار لباس‌های مصرف‌شده جهت آفرینش اثری دارای کارایی و ارزش بصری بالاتر دلالت دارد، شیوه‌ای از طراحی است که در آن حافظه تاریخی ماده با ذوق و دانش طراح درهم می‌آمیزد (نیک‌نژاد، ۱۳۹۹). برخلاف فرایندهای بازیافت متداول که غالباً منجر به تنزل رتبه کیفی الیاف بر اثر خردایش مکانیکی یا فعل و انفعالات شیمیایی شدید می‌شوند، در شیوه بازآفرینی، ساختار بافته‌شده و ارزش‌های تزئینی موجود تا جای ممکن حفظ گشته و به واسطه نوآوری در الگوسازی احیا می‌گردند (شریفیان و طاهری، ۱۴۰۲). این رویکرد در سنت زیستی و هنرهای بومی ایران پیشینه‌ای پرسابقه دارد؛ تکنیک‌های کهن نظیر چهل‌تکه‌دوزی، ابریشم‌دوزی‌های مرمتی و استفاده متوالی از پارچه‌های ارزشمند سنتی در البسه اعضای خانواده، گواهی روشن بر ریشه‌های عمیق این تفکر در فرهنگ بومی است (بیات و زمانی، ۱۳۹۸).

علیرغم ظرفیت‌های گسترده این شیوه، ادبیات پژوهشی پیرامون الگوهای عملی بازآفرینی پوشاک در منابع دانشگاهی کشور، به شدت پراکنده و محدود است. بررسی‌های پیشین عمدتاً به کلیات اثرات زیست‌محیطی صنایع نساجی پرداخته یا در حد تحلیل‌های صرفاً زیبایی‌شناختی باقی مانده‌اند؛ در نتیجه، فقدان الگوبندی منسجم از شیوه‌های تغییر الگو، روش‌های حل مسئله در فرایند بازطراحی و ارزیابی چالش‌های زنجیره اجرا کاملاً ملموس است (افخمی، ۱۴۰۱؛ جهانگیری و توکلی، ۱۴۰۲). لذا این پژوهش با روش مروری توصیفی-تحلیلی، در صدد است شیوه‌ها و تکنیک‌های بازآفرینی لباس‌های کهنه را مستندسازی کرده، تجارب عملی را واکاوی نموده و چالش‌های این مسیر را در جهت کمک به شکل‌گیری الگوهای کاربردی در طراحی لباس پایدار تبیین نماید.



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

دومین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The Second International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

September 18, 2026 GEORGIA

شهریور ماه ۱۴۰۵ - گرجستان

مبانی نظری

تمایز مفهومی بازیافت، استفاده مجدد و بازآفرینی خلاق

دقت در ترمینولوژی طراحی پایدار نشان می‌دهد که تفکیک میان سه کنش «استفاده مجدد»، «بازیافت» و «بازآفرینی خلاق» امری حیاتی در شفافیت پژوهش است (کاظمی و عباسی، ۱۴۰۰). «استفاده مجدد» به مفهوم به کارگیری مجدد پوشاک در وضعیت فیزیکی موجود، بدون ایجاد تغییرات ساختاری عمده در فرم لباس است؛ نظیر انتقال لباس به دیگران یا مبادلات دست‌دوم، که هرچند طول عمر لباس را امتداد می‌بخشد، اما فاقد مداخله فعال طراح است (مطهری و احمدی، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، «بازیافت» به فرایندهایی اطلاق می‌گردد که طی آن لباس مستعمل، خرد یا ذوب شده و الیاف آن جهت کاربردهای اغلب سطح پایین‌تر مانند تولید نمدهای صنعتی، عایق‌های ساختمانی یا پرکننده‌ها به کار می‌رود؛ فرآیندی که معمولاً به فرسودگی خواص مکانیکی نخ و پلیمر و هدررفت انرژی پیشین منجر می‌شود (امینی و باقری، ۱۳۹۸). در مقابل، «بازآفرینی خلاق» روندی فعال، طراح‌محور و ارزش‌افزا است که در آن، منسوج نه به چشم ماده‌ای خام برای تخریب، بلکه به مثابه سطحی نیمه‌ساخته با خصوصیات منحصر به فرد زیبایی‌شناختی دیده می‌شود که از طریق دستکاری در الگو، ارزش عملکردی و بهای هنری آن فزونی می‌یابد (نیک‌نژاد، ۱۳۹۹؛ کرمی، ۱۴۰۰).

ریشه‌های بومی و تاریخی بازآفرینی پارچه در فرهنگ ایرانی

برخلاف این پندار که پایداری و بازیابی مواد صرفاً زائیده اندیشه‌های مدرن است، واکاوی میراث نساجی و پوشاک سنتی ایران حاکی از پیوند دیرینه فرهنگ مادی با حفظ ارزش البسه است (بیات و زمانی، ۱۳۹۸). در جوامع گذشته به سبب دشواری‌های دسترسی به الیاف و زحمات بسیار در ریسندگی و بافندگی دستی، پارچه دارای شأن و حیثیتی بنیادین بود. شیوه‌هایی مانند «چهل‌تکه‌دوزی» یا «لندره‌دوزی» نمونه‌های بارزی از مواجهه هوشمندانه با پاره‌پارچه‌ها و بقایای لباس‌های کهنه به شمار می‌رفت که طی آن، قطعات خرد شده با نظمی هندسی کنار یکدیگر متصل شده و به لحاف، بقچه، روپوش و گاهی جلیقه‌ها و قبا‌های فاخر تبدیل می‌شدند (پاکزاد و ناصری، ۱۳۹۹). علاوه بر این، انتقال حاشیه‌های زردوزی‌شده، یراق‌ها و تکه‌های سوزن‌دوزی‌شده از قبا‌های مستعمل به لباس‌های نو، نوعی بازآفرینی بین‌نسلی مداوم را شکل می‌داد که نشان‌دهنده احترام به تلاش هنرمند و اقتصاد بسنده خانوار بوده است (صالحی، ۱۳۹۸).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث هدف در زمره تحقیقات کاربردی و از بعد ماهیت داده‌ها و شیوه گردآوری، در رده مطالعات کیفی و از نوع «مروری توصیفی-تحلیلی نظام‌یافته» قرار دارد (سرمد و همکاران، ۱۴۰۰؛ بازرگان، ۱۳۹۹). در این‌گونه مطالعات، هدف اصلی محقق صرفاً بازگویی روایات گذشته نیست، بلکه ارزیابی، بازخوانی انتقادی، دسته‌بندی و یکپارچه‌سازی شواهد، متون و تجارب عملی پراکنده در یک چارچوب تحلیلی معین مدنظر قرار می‌گیرد (خاکی، ۱۴۰۱). از آنجا که حوزه بازآفرینی خلاقانه پوشاک تلاقی‌گاه مهارت‌های کارگاهی، اندیشه‌های بوم‌شناختی و الگوهای زیباشناختی است، اتخاذ روش مروری ساختاریافته به محقق امکان می‌دهد تا از چندوجهی بودن داده‌ها به یک سنتز منطقی و الگوی راهبردی دست یابد (حافظ‌نیا، ۱۴۰۲).

فرایند گردآوری داده‌ها و راهبرد جستجو

ابزار اصلی گردآوری اطلاعات در این تحقیق، استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی و اسناد مکتوب تخصصی در بستر سامانه‌های استنادی معتبر بوده است (دلاور، ۱۴۰۰). فرایند جستجو در پایگاه‌های داده دانشگاهی، شامل درگاه‌های جامع علمی، نشریات علمی-پژوهشی حوزه هنر، نساجی و مدیریت محیطی و همچنین کتابخانه‌های تخصصی به انجام رسیده است (شریفی و رضایی، ۱۴۰۱). دامنه جستجو با تمرکز بر کلیدواژه‌های اصلی شامل «طراحی لباس پایدار»، «بازآفرینی منسوجات»، «پوشاک کهنه و مستعمل»،



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

دومین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The Second International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

September 18, 2026 GEORGIA

شهریور ماه ۱۴۰۵ - گرجستان

«استفاده مجدد از لباس»، «الگوهای بازطراحی»، «چهل‌تکه‌دوزی و دوخت سنتی در پوشاک» و «ضایعات منسوج» تعیین گردید (نیک‌نژاد، ۱۳۹۹؛ مطهری و احمدی، ۱۴۰۲). بازه زمانی متون مورد کاوش، به منظور دستیابی به جامع‌ترین الگوهای سنتی و همزمان آخرین تحولات علمی نوین، متمرکز بر سه دهه اخیر انتخاب گردید تا امکان مقایسه تطبیقی میان آموزه‌های پایدار گذشته و نیازهای پوششی معاصر فراهم گردد (قاسمی و شریفی، ۱۴۰۰).

معیارهای شمول و عدم شمول منابع

به منظور صیانت از روایی درونی و پالایش مقالات منطبق بر محورهای مقاله، معیارهای دقیقی برای غربالگری اولیه متون وضع گردید (سرمد و همکاران، ۱۴۰۰):

۱. معیارهای ورود: مقالاتی که به طور مستقیم بر روش‌های مداخله در لباس دوخته‌شده، الگوهای تبدیل لباس مستعمل به پوشاک نو، تجارب زیباشناختی و چالش‌های کارگاهی و فرهنگی بازآفرینی تمرکز داشتند؛ آثاری که دارای اعتبار دانشگاهی، روش‌شناسی مدون یا مستندات تصویری و تحلیلی مشخص بودند؛ و اسنادی که به تحلیل فنون سنتی قابل انطباق با طراحی معاصر پرداخته بودند (بیات و زمانی، ۱۳۹۸؛ کاظمی و عباسی، ۱۴۰۰).

۲. معیارهای خروج: پژوهش‌هایی که صرفاً بر ابعاد مکانیکی خردایش صنعتی ضایعات نساجی تمرکز داشتند و نقش طراح لباس در آن‌ها حذف گردیده بود؛ آثاری که صرفاً به معرفی سطوحی مدهای فصلی بدون تکیه بر نظریه‌های پایداری می‌پرداختند؛ و یادداشت‌های غیرپژوهشی، گزارش‌های تبلیغاتی و منابعی که فاقد مستندات روشن در باب تکنیک‌های تغییر فرم و ساختار لباس بودند (امینی و باقری، ۱۳۹۸؛ افخمی، ۱۴۰۱).

فرایند تجزیه و تحلیل و سنتز اطلاعات

تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده بر اساس «روش تحلیل مضمون و دسته‌بندی مفهومی» سامان یافت (دلاور، ۱۴۰۰). بدین ترتیب که نخست، متن کامل منابع منتخب به دقت مطالعه و یادداشت‌برداری شد. سپس با استخراج داده‌های مرتبط با فنون تغییر الگو، تجربیات عملی و موانع موجود، مفاهیم اولیه نشانه‌گذاری گردیدند. در گام نهایی، مفاهیم استخراج‌شده در قالب سه محور کلان یکپارچه‌سازی شدند: نخست، «الگوها و فنون عملی بازآفرینی»؛ دوم، «تجارب و نمونه‌های کارآمد در بازطراحی لباس»؛ و سوم، «چالش‌های ساختاری، اقتصادی، فرهنگی و روان‌شناختی» (خاکی، ۱۴۰۱؛ جهانگیری و توکلی، ۱۴۰۲). این رویکرد ساختاریافته تضمین می‌کند که نتایج پژوهش از حد گردآوری صرف فراتر رفته و به تولید دانشی نظام‌مند در راستای راهنمایی طراحان و پژوهشگران منتهی گردد.

یافته‌ها

پس از بررسی نظام‌مند اسناد، متون تخصصی و مطالعات موردی مرتبط با بازآفرینی پوشاک، یافته‌های پژوهش در سه محور اصلی «شیوه‌های عملی طراحی»، «الگوهای تجربی موفق» و «موانع و چالش‌های اجرایی» دسته‌بندی و تحلیل گردید.

۱. دسته‌بندی شیوه‌ها و تکنیک‌های عملی بازآفرینی لباس

بر اساس تحلیل محتوای متون، شیوه‌های بازآفرینی لباس از منظر مداخله در ساختار و فرم، به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

الف) بازآفرینی از طریق تغییر ساختار الگو (تغییر فرمی):

این شیوه بر پایه بازنگری در خطوط برش و جایگاه درزهای لباس استوار است (مطهری و احمدی، ۱۴۰۲). در این رویکرد، طراح با استفاده از تکنیک «شکافتن و بازچینی»، درزهای لباس مستعمل را از محل‌های اصلی (مانند دوخت شانه‌ها یا پهلوها) باز کرده و با تغییر زاویه برش یا اضافه کردن قطعات جدید، فرم کاملاً متفاوتی (مثلاً تبدیل پیراهن به جلیقه یا دامن) ایجاد می‌کند. این روش بیشترین تأثیر را در افزایش کارکردی بودن لباس دارد و از تغییرات ساختاری عمیق برای سازگاری با ابعاد بدن جدید بهره



iccacc

<https://iccacc.ir>
info@iccacc.ir

دومین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The Second International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

September 18, 2026 GEORGIA

شهریور ماه ۱۴۰۵ - گرجستان

می‌برد (نیک‌نژاد، ۱۳۹۹).

(ب) بازآفرینی از طریق مداخله بصری و تزئینی (تغییر ظاهری):

در این دسته، ساختار اصلی لباس تغییر چندانی نمی‌کند، اما از طریق افزودن عناصر جدید، هویت بصری آن بازتعریف می‌شود. تکنیک‌های شناسایی شده در این محور عبارتند از:

تکنیک‌های تلفیقی سنتی: استفاده از چهل‌تکه‌دوزی (Patchwork) با استفاده از بقایای پارچه‌های هم‌جنس یا هم‌رنگ، و همچنین استفاده از رودوزی‌های سنتی برای پوشاندن لکه‌ها یا پارگی‌های احتمالی لباس (بیات و زمانی، ۱۳۹۸).

تکنیک‌های مداخلات مدرن: استفاده از رنگ‌آمیزی مجدد (مانند واترکَش یا رنگ‌آمیزی طبیعی)، اعمال برش‌های هندسی (مانند برش‌های لیزری یا اشباحی) و افزودن المان‌های متریال متفاوت (مانند ترکیب منسوجات با چرم یا الیاف نخی) جهت ایجاد تضاد بافتی (شریفیان و طاهری، ۱۴۰۲).

(ج) بازآفرینی مدولار (بخش‌بندی):

در این رویکرد، لباس به قطعات کوچک‌تر و مستقل تبدیل شده و از طریق سیستم‌های اتصال (مانند دکمه، زیپ یا بند)، قابلیت تبدیل شدن به چندین مدل مختلف را پیدا می‌کند (کرمی، ۱۴۰۰). این شیوه، مفهوم «طراحی چندمنظوره» را در پوشاک پایدار به شکلی ملموس اجرا می‌کند.

۲. تحلیل تجارب و الگوهای موفق در طراحی بازآفرینانه

بررسی نمونه‌های عملی نشان می‌دهد که موفقیت در بازآفرینی، در گرو دو عامل «روایت‌گری» و «ارتقای ارزش» است:

الگوی روایت‌گری در طراحی: طراحانی که موفق بوده‌اند، تنها به تغییر ظاهر بسنده نکرده‌اند، بلکه از تارخچه و ردپای پارچه (مانند نشانه‌های فرسودگی یا بافت‌های خاص) به عنوان بخشی از زیبایی‌شناسی اثر استفاده کرده‌اند (صالحی، ۱۳۹۸). این رویکرد، لباس را از یک کالای مصرفی به یک «اثر با حافله» تبدیل می‌کند که در میان مصرف‌کنندگان آگاه، ارزش فرهنگی بالایی دارد.

الگوی بازآفرینی با ارزش افزوده بالا: تجارب موفق نشان می‌دهد که بازآفرینی زمانی به مرحله تجاری‌سازی می‌رسد که محصول نهایی، کیفیت و فرمی فراتر از لباس اولیه داشته باشد. برای مثال، تبدیل مجموعه‌ای از لباس‌های کاربری و ساده به یک تک‌درزی هنری با استفاده از تکنیک‌های تلفیقی، پذیرا بودن بازار را دوچندان می‌کند (قاسمی و شریفی، ۱۴۰۰).

۳. شناسایی چالش‌ها و موانع پیش روی طراحی بازآفرینانه

علیرغم پتانسیل‌های ذکر شده، یافته‌ها نشان‌دهنده وجود سه دسته چالش بنیادین است که مانع از گسترش مقیاس‌پذیر این صنعت می‌شود:

(الف) چالش‌های فنی و عملیاتی:

تنوع بی‌شمار در ابعاد، جنس، میزان فرسودگی و نوع الیاف در لباس‌های مستعمل، فرآیند «استانداردسازی» را با دشواری جدی مواجه می‌کند (امینی و باقری، ۱۳۹۸). برخلاف تولیدات صنعتی که با پارچه‌های یکدست و در مقیاس انبوه انجام می‌شود، هر پروژه بازآفرینی، نیازمند تحلیل جداگانه ماده و الگوسازی اختصاصی است که این امر، زمان‌بر و نیازمند مهارت بسیار بالای دستی است.

(ب) چالش‌های اقتصادی و مدیریت تولید:

هزینه بالای نیروی کار متخصص برای تفکیک، باز کردن درزها و دوخت مجدد، باعث می‌شود که قیمت تمام‌شده محصول بازآفرینی‌شده در مقایسه با محصولات تولید انبوه، افزایش یابد (افخمی، ۱۴۰۱). این مسئله، مدیریت زنجیره تأمین و یافتن تعادل میان «هنر دست» و «صنعت‌گری» را به یک چالش استراتژیک تبدیل کرده است.



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

دومین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The Second International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

September 18, 2026 GEORGIA

شهریور ماه ۱۴۰۵ - گرجستان

ج) چالش‌های فرهنگی و روان‌شناختی:

بررسی الگوهای رفتاری نشان می‌دهد که بخشی از جامعه مصرف‌کننده، هنوز با مفهوم «پوشاک حاصل از مواد مستعمل» به عنوان کالای باکیفیت یا باکلاس کنار نیامده است (جهانگیری و توکلی، ۱۴۰۲). وجود این نگرش که لباس‌های بازآفرینی شده، نوعی «لباس دست‌دوم» یا «کم‌ارزش» هستند، مانع از ورود این محصولات به بازارهای اصلی و لوکس می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی موشکافانه شیوه‌ها، الگوها و چالش‌های بازآفرینی خلاقانه پوشاک مستعمل در چارچوب طراحی لباس پایدار سامان یافت. تحلیل سنتز یافته متون و اسناد آشکار ساخت که بازآفرینی منسوجات، فراتر از یک اقدام مقطعی و واکنش انفعالی به بحران انباشت پسماند، یک پارادایم نوین بازطراحی و بازتعریف ارزش در چرخه حیات محصول است (کاظمی و عباسی، ۱۴۰۰؛ مطهری و احمدی، ۱۴۰۲). بر پایه یافته‌های این مطالعه، بازآفرینی با تکیه بر مداخله در ساختار الگو، دستکاری‌های سطحی-بصری و مفصل‌بندی‌های مدولار، قابلیت آن را دارد که کالبد فرسوده یک اثر را بدون گذر از فرایندهای پرهزینه و آلاینده بازیافت شیمیایی یا مکانیکی، به محصولی با تراز زیبایی‌شناختی و کارکردی بالاتر مبدل سازد؛ یافته‌ای که با چارچوب‌های نظری اقتصاد چرخه‌ای و طراحی پایدار هم‌پوشانی کامل دارد (کریمی، ۱۴۰۰؛ نیک‌نژاد، ۱۳۹۹).

در مقام تطبیق یافته‌ها با پیشینه تاریخی و سنتی، ملاحظه می‌شود که فرهنگ بومی پوشاک در ایران، دیرزمانی پیش از شکل‌گیری نظریه‌های دانشگاهی پایداری، آموزه‌های عملی بازآفرینی را در قالب هنرهای نظیر چهل‌تکه‌دوزی و لندره‌دوزی نهادینه ساخته بود (صالحی، ۱۳۹۸؛ بیات و زمانی، ۱۳۹۸). با این وجود، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بازآفرینی معاصر در مقایسه با صورت‌های سنتی، از مرز «صرفه‌جویی ناشی از مضیقہ معیشتی» گذر کرده و به عنوان «بیانیه زیباشناختی آگاهانه و بازنامایی تشخص فردی» بازتولید شده است. پیوند میان کهن‌الگوهای بومی و دانش الگوسازی مدرن، بستری فراهم می‌آورد تا طراح به جای پاک‌کردن تاریخچه مصرف پارچه، روایت فرسودگی و هویت پیشین منسوج را به مثابه یک ارزش نمادین و تمایزبخش به کار گیرد (شریفیان و طاهری، ۱۴۰۲؛ قاسمی و شریفی، ۱۴۰۰).

با این همه، ارزیابی نقادانه موانع موجود تصریح می‌کند که تجاری‌سازی و مقیاس‌پذیری این شیوه در اکوسیستم تولید کنونی با سه بن‌بست اساسی روبه‌روست: نخست، ناهمگونی مواد اولیه و ناممکن بودن استانداردسازی در الگوسازی خطی؛ دوم، سهم بالای هزینه‌های نیروی کار ماهر در فرایند آماده‌سازی و بازدوخت در مقایسه با تولید ارزان پوشاک شتاب‌زده صنعتی؛ و سوم، بار منفی ادراکی نزد توده مصرف‌کنندگان که پوشاک بازآفرینی شده را با مفاهیم نازل دست‌دوم‌انگاری یکسان می‌انگارند (افخمی، ۱۴۰۱؛ جهانگیری و توکلی، ۱۴۰۲؛ امینی و باقری، ۱۳۹۸). بنابراین، موفقیت بازآفرینی لباس در گرو انتقال این مفهوم از حاشیه کارگاهی به متن برنامه‌ریزی‌های کلان صنعت پوشاک و بازآرایی زنجیره ارزش از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی مستمر است.

به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت که بازآفرینی خلاقانه پوشاک، پلی استوار میان مسئولیت زیست‌محیطی، هنر کارگاهی و احیای میراث مادی نساجی است. بازآفرینی، تقابل میان زیبایی و اخلاق در تولید پوشاک را از میان برمی‌دارد و طراح را از جایگاه یک تولیدکننده فرم‌های مصرفی زودگذر، به مقام یک تدوین‌گر چرخه پایدار حیات منسوجات ارتقا می‌دهد. تثبیت این شیوه در صنعت پوشاک نیازمند گذار از نگرش سنتی کارگاهی به الگوهای بازتولید خلاق، انعطاف‌پذیر و بهره‌ور است.

پیشنهادهای پژوهشی و کاربردی

در راستای کاربردی‌سازی نتایج این پژوهش و گشودن افق‌های تازه برای مطالعات آتی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. توسعه دوره‌های مهارت‌افزایی دانشگاهی: گنجاندن سرفصل‌های تخصصی «طراحی معکوس و بازمهندسی الگوی پوشاک مستعمل» در برنامه‌های درسی رشته‌های طراحی پارچه و لباس به منظور تربیت نیروی کار متخصص برای استودیوهای پایدار.



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

دومین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

The Second International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)

September 18, 2026 GEORGIA

شهریور ماه ۱۴۰۵ - گرجستان

۲. تدوین الگوهای تلفیقی سنتی-مدرن: اجرای پژوهش‌های تجربی پیرامون انطباق نظام‌مند دوخت‌های سنتی ایرانی (نظیر چهل‌تکه‌دوزی و ابریشم‌دوزی‌های روستایی) با لباس‌های صنعتی ضایعاتی به‌ویژه منسوجات با بافت جناغی پنبه‌ای (دنیمن).
۳. بررسی راهبردهای بازاریابی و ارزش‌آفرینی: انجام مطالعات کمی در حوزه رفتار مصرف‌کننده با تمرکز بر تکنیک‌های روایت‌گری برند و شیوه‌های تغییر نگرش عمومی نسبت به هویت پوشاک بازآفرینی‌شده.
۴. سامان‌دهی سازوکارهای جمع‌آوری و تفکیک: پیاده‌سازی مدل‌های زنجیره تأمین خرد و معکوس به منظور جمع‌آوری، ضدعفونی و دسته‌بندی موضوعی لباس‌های مستعمل متناسب با نیاز طراحان و تولیدکنندگان مستقل.

منابع

۱. افخمی، مریم (۱۴۰۱). بررسی چالش‌های توسعه کسب‌وکارهای پایدار در حوزه پوشاک ایران. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت و نوآوری، ۸(۲)، صص ۴۵-۶۲.
۲. امینی، رسول؛ و باقری، سحر (۱۳۹۸). ارزیابی ردپای بوم‌شناختی الیاف طبیعی و مصنوعی در فرایند تولید منسوجات. نشریه علمی علوم و فناوری نساجی، ۱۵(۳)، صص ۱۲-۲۵.
۳. بازرگان، عباس (۱۳۹۹). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. چاپ هجدهم، انتشارات دیدار، تهران.
۴. بیات، فرزانه؛ و زمانی، احسان (۱۳۹۸). بازخوانی سنت چهل‌تکه‌دوزی به مثابه راهبرد طراحی پایدار در منسوجات سنتی ایران. مجله مطالعات هنر اسلامی، ۱۶(۳۷)، صص ۸۷-۱۰۴.
۵. جهانگیری، علی؛ و توکلی، مونا (۱۴۰۲). الگوهای رفتار مصرف‌کننده در پذیرش پوشاک بازیافتی و منسوجات پایدار. مجله مدیریت بازرگانی، ۱۴(۴)، صص ۶۰۱-۶۲۴.
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۴۰۲). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. چاپ سی و یکم، انتشارات سمت، تهران.
۷. خاکی، غلامرضا (۱۴۰۱). روش تحقیق در مدیریت: با رویکرد پایان‌نامه‌نویسی. چاپ دوازدهم، انتشارات فوژان، تهران.
۸. دلاور، علی (۱۴۰۰). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. چاپ بیست و ششم، انتشارات رشد، تهران.
۹. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ و حجازی، الهه (۱۴۰۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. چاپ سی و پنجم، انتشارات آگاه، تهران.
۱۰. شریفی، مهرداد؛ و رضایی، فاطمه (۱۴۰۱). روش‌شناسی مرور نظام‌مند متون و اسناد در مطالعات هنر کاربردی. دومانه‌نامه علمی پژوهش‌های هنر و طراحی، ۶(۳)، صص ۵۱-۶۸.
۱۱. شریفیان، الهام؛ و طاهری، جواد (۱۴۰۲). بازآفرینی فرم و ماده در استودیوهای طراحی لباس معاصر. نشریه هنرهای زیبا و کاربردی، ۱۲(۴)، صص ۲۱-۳۸.
۱۲. صالحی، مریم (۱۳۹۸). شیوه‌های سنتی احیا و بازسازی پوشاک در فرهنگ عامه مردم ایران. فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، ۷(۲۸)، صص ۲۰۱-۲۲۴.
۱۳. قاسمی، سمیه؛ و شریفی، حامد (۱۴۰۰). طراحی لباس در افق پایداری زیست‌محیطی: بررسی متون و تجارب جهانی. مجله هنرهای کاربردی دانشگاه الزهراء، ۱۳(۱)، صص ۲۷-۴۴.
۱۴. کاظمی، آرش؛ و عباسی، نسترن (۱۴۰۰). مد پایدار: مفاهیم، سطوح مداخله و چارچوب‌های ارزیابی چرخه عمر منسوجات. فصلنامه مد و آینده‌پژوهی، ۴(۲)، صص ۱۱-۲۹.



iccacc

<https://iccacc.ir>

info@iccacc.ir

دومین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، هنر و خلاقیت‌های معاصر

**The Second International Conference on
Culture, Art, and Contemporary Creativities
(ICCACC)**

September 18, 2026 GEORGIA

شهریور ماه ۱۴۰۵ - گرجستان

۱۵. کرمی، پژمان (۱۴۰۰). اقتصاد چرخه‌ای در زنجیره ارزش پوشاک؛ از بازیافت تا بازطراحی. ماهنامه اقتصاد نوآوری، ۲(۸)، صص ۵۵-۶۹.

۱۶. مطهری، شیوا؛ و احمدی، مهسا (۱۴۰۲). مبانی و اصول طراحی لباس با رویکرد بدون ضایعات و بازآفرینی منسوجات. انتشارات دانشگاه هنر، تهران.

۱۷. نیک‌نژاد، فرناز (۱۳۹۹). بررسی ارزش‌افزایی زیبایی‌شناختی از طریق تکنیک‌های مداخله در منسوجات دورریز. نشریه علمی نگره، ۲۵(۵۵)، صص ۴۱-۵۶.